



## راه کارهای ما در خارج کشور؛ افسانه وحدت

نهاد کودکان مقدمند برای دفاع از حقوق انسانی و مدنی، برای بهبود شرایط زندگی و موقعیت اجتماعی کودکان در سراسر جهان، مبارزه میکند. تلاش فعالین کودکان مقدمند تغییر موقعیت کودک در جامعه است. موقعیت کودک در جامعه باید اصلی ترین معیار در ارزش گذاری هر جامعه و فرهنگ بشمار آید. نهاد کودکان مقدمند رفتار هر جامعه با کودکان را مهمترین محک درجه انسانی و آزاد بودن آن جامعه میدانند و عقیده دارد که کودکان مقدمند بر هر ملاحظه و منفعت ملی، اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیک و مذهبی. بر این اساس، فعالین کودکان مقدمند در هر کجای دنیا که هستند در این راستا فعالیت میکنند. هر جا حقی از کودکان ضایع شود باید مدافعینی باشند تا با فعالیت خود مانع دست درازی به حقوق کودک شوند.

در اروپا عمده ترین توجه ما بطور مشخص بیشتر به کودکان در خانواده‌های مهاجر سنتی است که از کشورهای اسلام زده به اروپا می آیند چرا که صدای این کودکان اغلب شنیده نمی شود، قوانین سنتی خانواده و عشیره در کنار بی توجهی عمدی دولتها و فضای مسمومی که سیاست نسبیت فرهنگی ایجاد میکند و انسانها را بر اساس ملیت، مذهب و فرهنگ تقسیم میکند و گاه هویت فرهنگی و مذهبی کودک را مهمترین موضوع قلمداد میکنند، سازمانهای اسلامی را بعنوان نماینده مردم برسمیت میشناسد و هزاران مردمی که از آخوند و مسجد و ارتجاع مذهبی فرار کرده اند را دوباره به دام آنها میاندازند. جرائم ناموسی و فرهنگ ضد زن و بی حقوقی کودکان در میان خانواده‌های مهاجر سنتی در اروپا بیداد میکند و مداوما قربانی می گیرد. دولتهای اروپایی با این سیاست دست خانواده‌های سنتی را باز میگذارند تا به راحتی کودکان خود را از حقوق اجتماعی‌شان محروم کنند و معمولی ترین و ابتدایی ترین زندگی و حقوق را از آنها سلب کنند. مثلاً بعضی دروس اجباری مثل شرکت در کلاسهای آموزشی شناخت تن و بدن و آمیزش جنسی و سکس، ورزش، موزیک و شنا را در مدارس را برای آنها ممنوع کنند. اگر همین کار را خانواده ای از همان کشور و یا با پیشینه اروپایی با فرزندانشان بکند، تحت تعقیب قانونی قرار میگیرد. دختران در اینگونه خانواده‌ها بطور دائم تحقیر میشوند، بشدت محدود هستند و زیر فشار قرار دارند. تعداد زیادی فرار و در خانه‌های امن با هویت دیگری زندگی

میکنند. تعداد زیادی دختر در خانواده های مهاجر، در اروپا بجرم داشتن دوست پسر و یا معاشرت با دوستانشان بعد از ساعت مدرسه در خانه زندانی می شوند و اجازه رفتن به مدرسه ندارند یا به قتل میرسند. برای نمونه در سوئد، در هر محله ای که مسجدی هست یا سازمانهای اسلامی قدرت دارند، وضعیت زنان و دختران بدتر است و جرایم ناموسی و زیرپا گذاشتن حقوق کودکان به مراتب بیشتر است.

یک پدیده شناخته شده و مشخصا ضد کودک، در اروپا مدارس اسلامی است. در این مدارس دختران بشدت تحقیر میشوند. آنها آموزش میبینند که ارزششان از پسرها کمتر است. در کلاس درس نیمه عقب کلاس نشانده میشوند. درست به همان ترتیبی که در مساجد معمول است. در کشور سوئد با دوربین مخفی از یکی از این مدارس فیلم گرفته بودند. در این فیلم کودکان تحقیر میشدند و کتک میخورند. در حالی که این موارد در کشور سوئد جرم سنگینی محسوب میشود و پیگرد جدی قانونی دارد. ولی این مدارس با وجود اعمال غیر قانونی همچنان بکار خود ادامه میدهد. دولت سوئد حقوق کودک را به این ترتیب به بند و بست هایش با اسلام سیاسی میفرشود و به آنها باج میدهد.

برای مقابله با این معضلات، کاری که ما می‌کنیم افشای این سیاست در میان مردم و مدیا و همینطور فشار آوردن به نهادهای دولتی است تا به حرمت و استقلال فکری کودک احترام بگذارند و مدارس مذهبی را منحل کنند. ما فشار میاوریم که تمامی کمکهای مالی دولتی به ارگانهای مذهبی قطع شود. از طریق رسانه‌های عمومی، سمینارها و برنامه‌های مختلف در طول سالین دراز تعداد زیادی از مردم را با خودمان هم نظر کرده ایم. الان در جامعه سوئد سیاست نسبت فرهنگی دیگر در میان مردم شناخته شده است و منتقدین زیادی دارد. ما با این مبارزات توانستیم سن ازدواج که برای کودکان با پیشینه سوئدی هیجده سال و خانواده‌های مهاجر شانزده سال بود را به هیجده سال تغییر دهیم. بخش زیادی که مخالف ممنوعیت حجاب برای کودکان بودند الان با ما هم نظر شده اند که کودک مذهب ندارد و هیچ بزرگسالی حق ندارد، هیچگونه مذهب و ایدئولوژی را به کودک تحمیل کند و حجاب سر او کند. سعی ما بر این است که در مبارزه برای احقاق حقوق و رفاه کودکان همه امکانات و راه های قانونی ممکن، از فعالیت بعنوان یک گروه فشار روی دولتها و نهادهای مختلف، تا فراخوان دادن میتینگها و تظاهرات ها و سازماندهی مستقیم مردم، را بکار ببریم. تعدادمان باید آنقدر زیاد شود و تعداد رهبران در این عرصه بایستی آنقدر افزایش یابد که بتوانیم کودک را از دست درازی مذهب و سرکوب و تحقیر مذهب در همه جا محافظت کنیم.

کودکان مقدمند کمپینهای متنوعی را سازمان داده است که میبایستی تعداد بیشتری در آنها فعال شوند. کمپین علیه مدارس مذهبی، علیه حجاب کودک، علیه ختنه و مثله کردن کودکان. همچنین کمپین علیه اعدام کودکان که هدف و سمت و سویش رو به ایران است، این کمپینها میتواند در کشورهای مختلف همزمان اجرا شود. برای پیشبرد این کمپینها احتیاج به فعالینی هست که بتوانند سمینارها و کنفرانس‌هایی را در این زمینه ها برگزار کنند و یا در چنین سمینارهایی که از سوی دیگر نهادها برگزار میگردد، شرکت کنند، در مدارس و جلسات نهادهای دولتی بتوانند در مورد اهداف کمپینها روشنگری کنند. در مدیا ظاهر شوند، بنویسند و به انحاء مختلف تاثیر گذار باشند. فعالیت در خارج از کشور یک رکن فعالیت نهاد کودکان مقدمند است.

فقط کافی است چشمت را ببندی و یک لحظه واقعیت خشن وضعیت کودکان در جهان را مجسم کنی؛ در هر ۶ ثانیه یک کودک جاننش را در اثر گرسنگی در دنیا از دست میدهد. فقط همین یک رقم به ما میگوید که نمیشود بی تفاوت ماند، نمیشود راحت ماند و کاری برای تغییر این بی عدالتی نکرد. از این ارقام نجومی در مورد کودکان کار، عدم دسترسی کودکان به بهداشت، مدرسه، رفاه، آب آشامیدنی و .. کم نیست. اما خشونت علیه کودکان چنان شایع است که انگار این وضعیت درناک و سبعیت جانکاه عادی شده، انگاری کسی واکنش نشان نمیدهد. گویی این بی حقوقی جزئی ثابت از این دنیای وارونه است. صحنه‌های تکان دهنده کودکان فقیر، کودکانی که مثل اسکلت‌های متحرکی هستند که گوشه‌ای

افتاده اند و منتظر مرگ هستند بخشی از تصاویر روزانه شده است. سازمان ملل و دم و دستگاه عریض و طویل اداریش در نهایت ارگانی جهت انعکاس ناقص و بی راه حل فجایع بی‌شمار علیه کودکان است. این سازمانهای به اصطلاح مدافع حقوق کودک وارد عرصه کارزار اصلی و علت این نابسامانی میشوند. با وجود صرف بودجه های کلان راه بجایی نمیرند. وگرنه بالاخره این فاجعه درجایی ترمز می کرد و روز به روز وسیعتر و همه گیرتر نمیشد. در حقیقت این حکومتها و دولتها هستند که باید پاسخگوی رفع نیازهای کودکان باشند، مسئول و پاسخگوی اصلی کسانی هستند که جامعه را به این وضعیت دچار کرده اند. آنها هستند که پول و امکانات ممالک را در اختیار دارند. اولویتها را آنها تعیین میکنند. به همین دلیل یک عرصه بسیار مهم از فعالیت ما تحت فشا رگذاشتن دولتها برای تغییر در تصمیم گیری هایشان است. این عرصه اهمیت بسیار ویژه دارد که جز با تکیه بر نهادی که خطوط روشن و فعالینی معتبر در جامعه دارد و میتواند اعتراضات را سازمان بدهند و گوش دولتها را بکشند و با افشاگری مانع اجرای بسیاری از پروژه های ضد کودک و یا بی توجهی به منافع کودکان شوند ممکن نیست.

کسانی که خواهان پایان دادن به این دوران تاریک هستند. کسانی که فکر میکنند دوران ارزشهای قرون وسطایی بسر رسیده. کسانی که بفکر برچیدن همیشگی مذهب از زندگی کودک هستند. کسانی که دیگر تحمل شنیدن خبر اعدام و از آن وحشیانه تر اعدام کودک را ندارند، میخواهند کودک ستیزی را با سنگسارش و اعدامش به گور تاریخ بسپارند، باید بپا خیزند. برای نجات کودکان همین امروز باید دست بکار شد. فردا دیر است. کسانی که بی تفاوت نیستند، کسانی که نمیتوانند ببینند به کودکان بی توجهی میشود، تحت ظلم و ستم قرار دارند، کسانی که واکنش نشان میدهند، برای حرمت انسان و حرمت و منزلت کودکان ارزش قائلند، اولین قدم متشکل شدن و متحد شدن است. مبارزات تکنونی همین فعالین سبب شده که وضع از اینکه هست خراب تر نشود، وگرنه وضعیت صد ها بار بد تر بود.

تصور نمی کنم کسی باشد که در مورد جنبش علیه اعدام چیزی ننشیده باشد. اگر مبارزات علیه اعدام نبود، محکومین به اعدام را راحت تر و سریع تر میکشند. کسی از زیر تیغ اعدام نجات پیدا نمیکرد، دست حکومت بازتر و بازتر می ماند و ابایی از خونریزی بیشتر نداشت. مبارزات مردم در این عرصه چه در داخل و چه در خارج کشور جانهای زیادی را از مرگ رهانیده. تعداد زیادی را نجات داده. مبارزه برای حقوق کودک در خارج کشور دستاوردهای زیادی داشته است. برای نمونه در کشور سوئد مثله کردن دختران خوشبختانه بر اثر مبارزات نهادهایی چون ما و مردم انساندوست ممنوع شده است اگرچه متأسفانه هنوز ختنه پسران مجاز است. میبینید که عصر بربریت در کنار مدرنیسم دائماً خود را نشان میدهد.

یک عرصه تعیین کننده دیگر مبارزه با حجاب کودکان است. حجاب کودکان باید ممنوع شود. کودکان را باید از تمامی دست اندازیهای مذهب و ایدئولوژیهای مختلف در امان نگهداشت! این یکی از عرصه هایی است که مذهب و ارتجاع هیچ ابایی از خون پاشیدن به آن ندارند. ممانعت از وجود شرایطی آزاد و برابر برای دختران، که بتواند آزادانه فکر کند، ببیند، تجربه کند بپرسد و اطراف خود را نقد کند یک وجه تلاش اسلام سیاسی و همه شرکای مرتجعش از هر رنگ و قماش است. فعالین کودک مقدمند در این عرصه باید حضوری پر رنگ داشته باشند. این یک میدان واقعی جنگی تمام عیار است. جنگی که دولتهای اروپایی با بزدلی و منفعت طلبی از آن می گریزند و با باج و خراج به توحش سازمانهای اسلامی، سرنوشت و زندگی صد ها هزار کودک را تباه میکنند.

یک عرصه دیگر از فعالیت ما مقابله با تعرض به جسم کودکان تحت عنوان ختنه و تبیعت از دستورات مذهبی است، ختنه تعرض به جسم کودک است که بدون دخالت و رضایت او بخشی از عضو بدن او را میبرند. خوشبختانه سازمانهای زیادی علیه ختنه پسران مبارزه میکنند و فعالین ما هم باید در این عرصه حضور قوی داشته باشند.

## مبارزه با بی حقوقی کودکان در ایران؛

اکثریت عظیم کودکان در ایران از ابتدایی ترین حقوق انسانی خود محرومند، مجبورند برای امرار معاش خانواده خود، از سنین خرد سالی کار کنند. کودک شرعا و قانونا به قتل میرسد. بهنام زارع، بهنود شجاعی، دلارا داری و دهها کودک و نوجوان دیگر زندگیشان به دست جانورانی که وجودشان با قتل، شکنجه و سرکوب تداعی میشود، با طناب دار به پایان رسید. کودک سیزده ساله، ژیل و برادر ۱۴ ساله اش به سنگسار محکوم شدند! عاطفه رجبی ۱۶ ساله در مرکز شهر نکا به دستور قاضی حاج رضایی حلق آویز شد.

پسرک چهارده ساله‌ای که در شهر سنندج بجرم روزه خواری به هشتاد ضربه شلاق محکوم شد و بدن کوچک و جوانش تحمل بیش از پانزده ضربه نداشت و قلب جوانش از طپش باز ایستاد. این جنایات غیر قابل توصیف میبایستی همه انسانیت را به اعتراض وادارد و دنیا را بر سر این جانیان خراب کند. باید صدای بی حقوقی میلیونها کودک شد و علیه شرایط غیر انسانی دست به مبارزه زد. تا حرمت کودکان موضوع کیفرخواستی جدی در جامعه شود.

سرپناهی ایمن، غذای کافی، محیط آموزشی سالم و مدرن، آینده ای امن حق تمامی کودکان است. هیچ کودکی نباید استثمار گردد، کودکان باید از رفاه کافی برخوردار گردند، محیط های آموزشی باید با آخرین استانداردهای علمی مجهز گردند و از دست درازی مذهب در امان باشند. بدون فعالینی که این امر را متحقق کنند سعادت و رفاه کودک غیر ممکن است.

سکوت در برابر وضعیت غیر انسانی کودکان یعنی تأیید وضع موجود. یعنی تأیید اینکه آیت الله‌های میلیاردی، حق دارند لقمه را از دهان میلیونها کودک گرسنه در ایران بگیرند و بر ثروت‌های افسانه‌ای خود اضافه کنند. یعنی تأیید سیه روزی میلیونها کودک. یعنی تأیید میلیونها کودک کار و خیابان. کودکان صدایی ندارند. جنبشی ندارند. کودک خودش نمیتواند جنبش دفاع از حق خودش را سازماندهی کنند. این ما بزرگسالان و فعالین این عرصه هستیم که باید حول پایه ای ترین حقوق کودکان متشکل و متحد شویم.

کودکان مقدمند همه فعالین، دوستان، مادران و پدران، معلمین و همه اقشار مردم را به اتحاد حول حقوق کودک فرا میخواند. فردا دیر است. از همین امروز باید شروع کرد. پس به ما بپیوندید! نهاد کودکان مقدمند ظرف فعالیت مستمر شماست!